

درجه

سرزمین دسیسه



اردشیر زارعیقنواتی

-

■ با نزدیک شدن به موعد خروج نیروهای نظامی عضو ناتو از افغانستان تا پایان سال ۲۰۱۴ برهم‌خوردگی و پیچیدگی اوضاع این کشور سیر فرآینده‌تری به خود گرفته است. طی هفته‌های اخیر تشدید حملات طالبان به مواضع دولتی، ناتو و غیرنظامیان به‌صورت تصاعدی افزایش یافته است و مهم‌تر از آن حملات سربازان اردوی ملی به هم‌قلمران خارجی خود نیز به موضوعی نگران‌کننده برای سیاستگذاران داخلی و بازیگران خارجی مبدل شده است. در این بین و در حوزه سیاسی نیز اختلافات مجاهدین در جبهه موسوم به شمال که هم‌اینگ تحت پوشش «جبهه ملی افغانستان» به رهبری دکتر «عبدالله عبدالله» عمل می‌کنند با دولت مرکزی به رهبری «حامد کرزای» وارد فاز جدیدی شده است. استیضاح و برکناری «عبدالرحیم وردک» وزیر دفاع و «بسم‌الله محمدی» وزیر کشور به اتهام عدم کفایت لازم جهت جلوگیری از حملات مویشکی از خاک پاکستان به افغانستان، از سوی پارلمان طی هفته‌های اخیر بر شدت منازعات درونی به میزان زیادی افزوده است. از طرف دیگر کُرزای در تلافی حذف دو نفر از وزرای کلیدی و متحد خود دست به یک ضدحمله متقابل زده و دستور برکناری «رحمت‌الله نبیل» رییس اداره امنیت ملی افغانستان که به جناح اپوزیسیون نزدیک بود را صادر کرد. در این بین گزارش‌هایی نیز توسط نیروهای «آیساف» و دولت مرکزی کابل مبنی بر کشته شدن بعضی از مهره‌های ارشد طالبان و گروه مخوف حقانی از جمله «هلادالله» از فرماندهان طالبان پاکستانی در خاک افغانستان و همچنین «بدرالدین حقانی» در وزیرستان شمالی منتشر شده است. در این میان خبرگزاری روسی، یانوووستی در یک گزارش اختصاصی فاش کرده است که طالبان هر هفته بین سه تا پنج‌میلیون دلار در قبال اجازه حمل بار و تجهیزات ناتو از جاده تدارکاتی پاکستان-افغانستان که به تازگی دوباره بازگشایی شده بهره می‌برد و آن را در تولید و تجارت هرویین سرمایه‌گذاری یا صرف هزینه عملیات‌های خود می‌کنند. نکته قابل توجه در این معامله بین کمپانی‌های خصوصی حمل بار و طالبان در اینجاست که طبق گزارش کنگره آمریکا موسوم به «فساد های‌سای جنگ» بسیاری از شرکتهای خصوصی حمل تجهیزات ناتو با طالبان همکاری می‌کنند و طبق ارزیابی پنتاگون فقط در طول سال ۲۰۱۱ معادل ۳۶۰ میلیون دلار از این طریق عایدی نصیب ستیزه‌جویان طالبان شده است. همین فساد حاکم بر دولت مرکزی و شرکتهای خصوصی داخلی و خارجی یک دوسویه شراکت مجرمانه با دشمن را در حوزه مالی رقم می‌زند که معادل آن در حوزه سیاسی و امنیتی نیز با التلافی‌های نوظهور و حیاتی در ساخت سیاسی خود را نمایان می‌کند و تلفات آتش‌گشودن سربازان افغانی روی هم‌قلمران خارجی عو آیساف که فقط در طول یک ماه اخیر حدود ۳۰ نفر بوده است را تبلور عینی می‌بخشد

تمام آن چیزی که در مورد ثبات و تضمین امنیت افغانستان بعد از خروج نیروهای خارجی در تشریح استراتژی جدید آمریکا برای این کشور گفته می‌شود (میاهو برای هیچ» یا در بهترین شکل ممکن یک توهم ذهنی است که هرگز به حقیقت نمی‌پیوندد. این واقعیت را واشنگتن و همپیمانان غربی آن به خوبی می‌دانند و بیشترین تمرکز خود را به خروج نسبتا آبرومندانه از این باتلاق معطوف کرده‌اند. از آنجا که تضاد و جنگ طالبان با هویت جدید افغانستان، بیش از آنچه ریشه در تفکرات ایدئولوژیک داشته باشد از بنیان‌های ناسیونالیستی قوم پشتون در دو سوی خط «رو-اُرد» تأثیر می‌پذیرد، بدون حل و فصل منطقه این چالش میراث دوران استعمار به نظر نمی‌رسد که هیچ مصالحه و تعاملی جهت ثبات‌بخشی در این کشور انجام پذیرد. بعد از یازدهم سپتامبر و حمله به افغانستان گسست‌های قومی- مذهبی که نشأت گرفته از «دنبالگوی قومی» در این کشور است نه تنها کاهش نیافته که تشدید هم شده است و همین موضوع بر پیچیدگی‌های وضعیت امنیتی و ثبات مورد نظر در افغانستان خواهد افزود. به همین دلیل بازی در این سبیل معکوس و چرخه معیوب که آگاهانه یا ناآگاهانه به تنازعات ایدئولوژیک، فرهنگی و سیاسی معطوف شده است، بن‌بستی گمراه‌کننده است که هرگونه راه‌حلی را با شکست مواجه می‌کند. تا زمانی که مشکل پشتون‌ها در هر دو سوی خط دوآند در افغانستان و پاکستان حل نشودو همچنین به‌ربرداری اسلام‌آباد از بنیادگرایی اسلامی جهت رسیدن به منافع ژئوپلیتیک خود در منطقه خاتمه نیابد، نباید انتظار تأمین امنیت و تضمین ثبات در حوزه هندوکش را داشت. تندیس امروز افغانستان به درستی تصویر پازل در هم ریخته است که بسیاری از قطعات آن اصولاً وجود خارجی نداشته و این موضوع حتی اگر در دست هنرمند ماهری نیز برای چیدمان قرار گیرد راه به جایی نخواهد برد. اینکه در افغانستان کنونی بعضی از دستاوردهای سیاسی- مدنی حاصل شده است یک موقعیت حیاتی خواهد داشت که مهره‌های سرباز آن در طول بازی می‌تواند به راحتی در زیر پای قیل عرصه شطرنج له شود و سیر قهقاریی و واپسگراانه چنین پیشرفت‌های جبلی‌ای را در معادلات حوزه سیاسی- اجتماعی این سرزمین همیشه درگیر مصیبت ندآود بخشد.

نه جنگ نه صلح

■ شطرنج سیاسی مالکی و مخالفانش «پات» شد

جهان



بازی در سطح

با این حال باید گفت این گونه دستاوردها در سطح نزاع سیاسی موجود در عراق باقی می‌ماند و راهی به اعماق نمی‌برد. مالکی که برای از میدان به در کرن دشمنانش از همان سیاست چماقی و هویج استفاده می‌کرد از یک طرف شعار وحدت ملی سر می‌داد و از طرف دیگر دشمنانش را متهم به همدستی با کشورهای منطقه‌ای برای توطئه علیه خود می‌کرد. اتهامی که از سوی مخالفانش به او نیز وارد می‌شد. بحران یادشده که همزمان با خروج نیروهای آمریکایی از عراق شروع شد به کاهش نقش نیروهای امنیتی منجر شد زیرا به دنبال آن بود که یک‌سری حملات جدید تروریستی اکثر شهرهای عراق را درنوردید و موجب مرگ هزاران نفر شد. این امر یکبار دیگر همان برداشت معروف و کاملاً خالی از حقیقت را ترویج کرد که می‌گوید خلأ سیاسی کشور موجب بروز خلأ امنیتی و پدید آمدن چنین حوادثی شده است. این فرضیه می‌خواهد به طور همزمان مخالفان و موافقان مالکی را مسؤول پدید آمدن چنین شرایطی معرفی کند. با این حال باید گفت چنین استدلالی نمی‌توانست ضعف‌های امنیتی دولت را اپوشانی کند.

این درحالی است که با وجود ناکامی‌های دولت مالکی در تأمین برخی خدمات عمومی یا مبارزه با فساد و تحقق عدالت اجتماعی و تدوین قوانین ضروری، یکی از نکات مهمی که روی آن مانور داده می‌شده و منبع قدرت ائتلاف مالکی به حساب می‌آمد و به آن می‌بالیدند مساله تأمین امنیت در دوره‌های نخست و دوم نخست‌وزیری او بود. به‌خصوص وقتی این سال‌ها با سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۰۶ در عراق مقایسه می‌شد. به هر حال با وخیم شدن شرایط امنیتی و تداوم فعالیت گروه‌های مسلح خارج از قانون در عراق این افتخار نیز تا حدود زیادی رنگ باخت. از سوی دیگر روند سیاسی عراق که با تشکیل شورای انتقالی در سال ۲۰۰۳ شروع شده و نامی بر مجموعه‌ای از اصول

کلی بود که ماه‌های مختلفی مانند «دولت سه‌میه‌ای» یا «طایفه‌ای» و غیره برآن گذاشته می‌شد هرچه بود مفهوم تازرای از «مشروعیت دولت» را با توجه این تعاریف جدید و براساس نوعی همکاری گروهی به عنوان بهترین راهکار برای حل مشکلات در جامعه‌ای مانند عراق که در ذات خود متکثر است به وجود می‌آورد و این مفهوم در واقع جایگزین مناسی بود برای مفهوم «مشروعیت انقلابی» ترویج‌شده از سوی نظام حکومتی پیشین عراق که از سال ۱۹۵۸ با روی کار آمدن حزب بعث در این کشور برقرار شد.

صرف نظر از تناسب این مفهوم با واقعیت عراق می‌توان گفت به عنوان یک راهکار عام که همه گروه‌های سیاسی از سال ۲۰۰۳ برآن اتفاق نظر داشتند، پذیرفته شده بود و در نهایت نیز در قانون اساسی این کشور تبلور یافت. با این حال در بحران کنونی دشمنان مالکی سعی کردند به شیوه‌های مختلف (حتی غیرمصحیح) بگویند که او «مشروعیت» خود را

از دست داده است. مخالفت کردها و بخش‌هایی از اهل تسنن در کنار ششیعیان طرفدار صدر نیز به این مساله دامن می‌زد. این مساله رفته‌رفته اهمیت و حساسیت بیشتری پیدا کرد و به یکی از بزرگ‌ترین چالش‌هایی تبدیل شد که مالکی طی ماه‌های گذشته با آن مواجه بود. او در مقابل چنین چالشی در عوض سعی کرد اختلافات درونی این گروه‌ها را تشدید کند. بنابراین از یک سو تلاش کرد در این مساله تردید ایجاد کند که فهرست العراقیه نماینده اهل تسنن باشد و کوشید کسانی را از داخل و خارج این ائتلاف به خود نزدیک کند. از سوی دیگر بر اختلاف بین دو گروه عمده کرد و موضع متفاوت آنها پیرامون دولتش انگشت گذاشت. این گونه تلاش‌ها در نهایت اجازه نداد که بحران به نقطه اوج رسیده و به سلب رای اعتماد مجلس از دولت مالکی- تا این لحظه - منجر شود. هرچند هنوز نیز نمی‌توان نسبت به آینده این ماجرا آسوده خاطر بود یا اطمینان داشت که یکبار دیگر چنین ائتلافی علیه او شکل نخواهد گرفت.

اشتباهات مخالفان

در مقابل، رقیبان مالکی نیز اشتباهات متعددی داشتند. آنها بر سر اهدافی گرد آمده بودند که به قولی «استراتژیک» نبود. از جمله آنها برکناری مالکی را می‌خواستند بدون اینکه به دنبال تعیین محدودیت دوره رنامداری او باشند. دراین‌باره می‌توان اشاره کرد که حتی نشست اربل هرچند چارچوبی کلی را برای اصلاحات سیاسی تعیین کرده بود و تهدید کرد که بدون استغای مالکی این اصلاحات تحقق نخواهد یافت با این حال انتظار داشت و می‌گفت تنها کسی که قادر به انجام چنین اصلاحاتی است خود «مالکی» خواهد بود. در واقع مخالفان مالکی از دو واقعیت مهم غافل بودند: یکی اینکه مخالفان اصلی مالکی (یعنی طیف‌های العراقیه، کردها و صدر) در خود دولت او دارای بیشترین اعضا بودند یعنی در همان دولتی که از آن انتظار داشتند اقدامات لازم را انجام دهد یا لولایچی را تصویب کند و به

مجلس بفرستد. از این رو تعیین ریشه‌های مشکلات باید قبل

از هرچیز در داخل سیستم دولت صورت می‌گرفت و زمانی می‌توانست از بیرون به آن اعتراض شود که از پیش کسانی از آن استعفا داده یا خارج شده باشند.

دوم اینکه همین گروه‌های سه‌گانه در واقع اکثریت کرسی‌های پارلمان را هم در اختیار داشتند و خودشان مسؤول مستقیم یا غیرمستقیم ناکامی و عدم اجرای حدود ۲۸ ماده قانونی بودند که برای کشور ضروری و اساسی و مهم تلقی می‌شد و برخی از آنها از جمله خواسته‌هایی بود که در نشست اربل نیز مطرح می‌شد. طرف‌هایی که در اربل گرد آمده بودند نشان دادند به دنبال راهکارهای مشخص برای دست یافتن به خواسته‌هایی استراتژیک نیستند بلکه بیشتر نزاع‌اشتن با شخص مالکی به عنوان یک فرد نه یک شیوه اداره کشور است.

نزدیک‌ترین نمونه برای این مساله تاکید جبهه مخالفان بر



عکس، مهدی حسینی، شرف

محدودسازی دوران نخست‌وزیری مالکی به دو دوره بود. به رغم اینکه چنین اقدامی حتی اگر اجرا می‌شد هیچ‌گونه بهایی عملی در چارچوب نظام پارلمانی فعلی که قانون اساسی عراق آن را مقرر کرده، ندارد. جریان صدر به شدت براین نکته تاکید می‌ورزیدد و اهداف خودش را همین «محدود ک‌رن دوران نخست‌وزیری» مالکی قرار داده بود و از این رو پیشنهاد کرد پارلمان عراق دراین‌باره قانونی را تصویب کند. شاید مالکی متعهد به عرف قانونی موجود در نظام‌های پارلمانی نباشد که می‌گوید نمی‌تواند یک بار دیگر نامزد شود و شاید دوره سوم نخست‌وزیری او اثری منفی بر سر راه تحکیم مفاهیم گردش مسالمت‌آمیز قدرت در عراق نداشته باشد و نتواند بر سر شکل‌گیری یک حکومت مبتنی بر «کاریزما»ی شخصی یا دارای نفوذ حزبی مانعی به وجود آورد اما این مساله به هر حال جوهره درونی بحران فعلی عراق نیست. بحرانی که فراتر از «شخصی شدن حکومت» رفته و به تعریف از خود حکومت می‌رسد و این مساله نیازمند قوانین و مقرراتی است که خوب تدوین و اجرا شده باشند و از ماجراجویی‌های شخصی یا حزبی به دور باشند. حال آنکه گروه‌های مخالف دولت نوری المالکی خودشان هم در جزئیات این قوانین با هم اختلاف نظر دارند و حتی از مواضع گوناگونی بر‌خو‌ر دارند. از این رو هیچ نشانه‌های روشنی به چشم نمی‌خورد که در آینده نزدیک یا دور بتوان گفت بحران فعلی عراق تنها با برپایی یک کنفرانس ملی یا با برکناری فردی مانند نوری المالکی یا منع او از نامزدی رای دو سوم نخست‌وزیری یا حتی تکرار انتخابات به امید تغییر در فراکسیون‌ها و گروه‌بندی‌های سیاسی موجود در عراق بتوان آن را حل کرد.

این افراق در نوعی نگاه بدبینانه نسبت به واقعیت امروز یا آینده این کشور نیست بلکه بیشتر مبتنی بر ماهیت نزاع سیاسی در دولت است؛ نزاعی که طرف‌های درگیر در آن تنها دیدگاهی دوگانه و مبتنی بر «شکست یا پیروزی» دارند و آن را به اشکال گوناگون از جمله «شکست کمر خصم» یا «حجرات» یا «تاکید بر خودی و حذف دیگری» پی‌ریزی می‌کنند. حال آنکه عراق به دلیل پروژه سیاسی در حال تغییر خود و نیز هویت نامشخص و امنیت شکننده و پراکنده بودن گرایش‌ها و رویکردها تحمل استراتژی «شکست یا پیروزی» را ندارد.

به هرحال مخالفان مالکی شکست خوردند و نتوانستند کاری از پیش ببرند. اما شخص خود مالکی نیز در این میان می‌توانست از بیرون به آن اعتراض شود که از پیش کسانی از آن استعفا داده یا خارج شده باشند. دوم اینکه همین گروه‌های سه‌گانه در واقع اکثریت کرسی‌های پارلمان را هم در اختیار داشتند و خودشان مسؤول مستقیم یا غیرمستقیم ناکامی و عدم اجرای حدود ۲۸ ماده قانونی بودند که برای کشور ضروری و اساسی و مهم تلقی می‌شد و برخی از آنها از جمله خواسته‌هایی بود که در نشست اربل نیز مطرح می‌شد. طرف‌هایی که در اربل گرد آمده بودند نشان دادند به دنبال راهکارهای مشخص برای دست یافتن به خواسته‌هایی استراتژیک نیستند بلکه بیشتر نزاع‌اشتن با شخص مالکی به عنوان یک فرد نه یک شیوه اداره عراق و با همان بلخنده‌های همیشگی در جاده‌ای گام نهاد که پایشان روشن نیست.

تنها پیشنهاد پیش رو، این است که بحران فعلی به یک مرحله دیگر در آینده موکل شود یعنی با به تعویق انداختن بحران و گرفتن چند عکس یادگاری در کنار رهبران اصلی عراق و با همان بلخنده‌های همیشگی در جاده‌ای گام نهاد که پایشان روشن نیست.

■

بوده‌اند که به آنها پیشنهاد شد تا به دولت مرسى ملحق شوند اما نپذیرفتند و ترجیح دادند کنار بمانند. احمد ماهر که ماهنگ‌کننده جنبش جوانان شش آوریل می‌گوید جوانان انقلابی مصر هم ترجیح دادند در این ترکیب حضور نداشته باشند. وی در عین حال به این نکته اشاره می‌کند که رئیس‌جمهور آزاد است و هر کسی را بخواهد می‌تواند برای خود انتخاب کند. به گفته او اسامی کسانی که اعلام شده در کل چهره‌های خوبی هستند. در این میان گروه سومى هم به چشم می‌خورند که معتقدند داورى کردن درباره این ترکیب بسیار زودهنگام است. محمد حبیب یکى از رهبران جماعت‌آخوان‌المسلمین دراین‌باره می‌گوید بعد از یک برهه زمانى است که می‌توان به صورتى معقول درباره میزان کارایى این تیم حرف زد زیرا باید این مساله با توجه به میزان اختیارات هر کدام مورد ارزیابی قرار گیرد.

منبع:الجزیره

روزنه

خطر در کمین

آزادی مطبوعات در تونس

■ این روزها بحث آزادی رسانه‌ها در تونس داغ است زیرا به اعتقاد بسیاری از روزنامه‌نگاران آزادی مطبوعات تونس در معرض خطر قرار گرفته و به‌خصوص از‌سوی دولت تهدید می‌شود. این احساس به‌ویژه پس از فرامین صادره و نیز بازداشت مدیر یک کانال تلویزیونی خصوصی تشدید شد. البته دولت تونس نیز رسانه‌ها را به فساد و عدم احترام به آزادی بیان متهم کرده و می‌گوید باید پاکسازی شوند.

ایین بحث‌ها به‌خصوص اخیراً و به دنبال تعیین مسوولان جدید برای بعضی از رسانه‌ها به این بهانه که مسوولان فعلی آنها وابسته به رژیم سابق هستند، جدی‌تر شد.
دراین میان بزرگ‌ترین جنجال زمانی شکل گرفت که سامی القهری مدیر شبکه تلویزیونی «التونسیه» بازداشت شد.التونسیه شبکه‌ای خصوصی است که با صدور حکمی مدیر آن برای بازپرسی فرخوانده شد. او متهم به سوءاستفاده و غارت اموال عمومی از طریق تلویزیون ملی در دوران زین‌العابدین بن علی رییس‌جمهور سابق تونس است.

کانون صنفی روزنامه‌نگاران تونس دولت را متهم می‌کند که به صورتی عمدی این مساله را عنوان کرده است تا بتواند از شبکه «التونسیه» انتقام بگیرد زیرا این شبکه برنامه‌های سیاسی تند و زگنده‌ای داشت و مقامات دولت یا جنبش النهضة را مورد تمسخر قرار می‌داد. درمقابل، دولت از کانون روزنامه‌نگاران انتقام می‌کند که چرا از یک پرونده مربوط به قضیه «فساد» دفاع کرده و مانع آن می‌شود که قوهقضاییه به این مساله رسیدگی کند. «عامر عریض» رییس دفتر سیاسی جنبش النهضة می‌گوید مساله مدیر شبکه «التونسیه» هیچ ارتباطی به آزادی بیان ندارد بلکه یک مساله صرفاً حقوقی است و باید قوهقضاییه به تنهایی در این‌باره دخالت کند. او می‌پرسد:

چطور روزنامه‌نگاران از پرونده‌ای دفاع می‌کنند که درآن‌میلیاردها دلار از اموال عمومی مردم در بخش تلویزیون دولتی به غارت رفته است؟ «عریض» درعین حال به شدت از کانون صنفی روزنامه‌نگاران انتقاد می‌کند که چرا حکم بازداشت علیه سامی القهری به اتهام فساد را «پوششی» برای انتقام از این شبکه به خاطر انتقاداتش از دولت می‌دانند. القهری، مدیر شبکه تلویزیونی التونسیه لطفی زیتون مشاور سیاسی دولت را به این متهم می‌کند که برای توقف برنامه‌های انتقادی‌اش نسبت به دولت می‌خواهد براین شبکه فشار وارد کند. اما زیتون به شدت این مساله را رد کرده و برعکس به روزنامه‌نگاران حمله می‌کند. روزنامه‌نگارانی که غالباً اعضای کانون صنفی روزنامه‌نگاران هستند. از جمله «یادالهایی» روزنامه‌نگار معروف تونس که معتقد است اینها از افراد فاسد دفاع کرده و حمله گسترده‌ای را اینترنت علیه او به راه انداخته‌اند. این عضو برجسته روزنامه‌نگاران تونس در پاسخ به این اتهامات می‌گوید: این حرف غیرمسوولانه‌ای است و کسی که اینها را مطرح کرده می‌خواهد مواضع او متشنج کند. او نیز مشاور سیاسی دولت را مسؤول عواقب اظهاراتش دانسته و می‌گوید: حرف‌های تحریک‌آمیز او دربین مردم راه را بر آشوب، هرج و مرج و حتی خشونت و خونریزی می‌گشاید. مشاور سیاسی دولت یکبار دراطهراتی از طرفداران النهضة خواست برای پاکسازی رسانه‌ها درروزهای جمعه تظاهرات کنند این اظهارات پس او کالای تلویزیونی به نام «ازیتونه» دارد. مساله‌ای که لطفی الزیتون آن را به کلی رد می‌کند.

زیدالهایی عضو کانون صنفی روزنامه‌نگاران می‌گوید کانون ما هم به این مساله معتقد است که باید پرونده‌های فساد افشا شود و اموال عمومی به بی‌المال بازگردانده شود لیکن ما با این مساله مخالف هستیم که اینها بهانه‌ای شود برای سوءاستفاده بعضی و محدود کردن آزادی رسانه‌ها واستفاده مجدد از قوهقضاییه به عنوان ابزاری در خدمت دولت.او از تعیین افرادی برای ریاست برخی نهادهای مشخص مانند تلویزیون تونس یا روزنامه الصباح توسط دولت نیز انتقاد کرده و می‌گوید دولت به این وسیله سعی می‌کند سلطه خود را بر رسانه‌ها اعمال کرده و آنها را تسلیم خود کند. در واکنش به این گونه اتهامات، محمدبن سالم وزیر کشاورزی و یکی از رهبران جنبش النهضة می‌گوید: ما طرفدار آزادی بیان بدون هیچ ملاحظه یا تردیدی هستیم. این یک مساله اصولی برای ماست. آینده ثابت خواهد کرد که چه کسی طرفدار آزادی بیان بوده و چه کسی قصد دارد از رسانه‌ها در خدمت اهداف سیاسی خود استفاده کند. او می‌افزاید:

رسانه‌ها وقتی بی‌طرف باشند و درخدمت کشور، آزاد خواهند بود. ما با این مساله همگفت هستیم که رسانه‌ها درخدمت منافع تنگ‌نظرانه حزبی یا طرفدار دولت باشند. درمورد این تعیین‌های اخیر نیز وی می‌گوید: ما هیچ فردی را که وابسته به النهضة باشد معرفی نکردیم بلکه افرادی را تعیین کردیم که خودشان از اصحاب رسانه‌ها هستند. از سوی دیگر عامر العریض رییس دفتر سیاسی جنبش النهضة می‌گوید: این تعیین‌ها حق دولت است. او درعین حال یادآورمی‌شود که دولت دولت دارد با صاحبان حرفه‌ها از طریق گفت‌وگو مسایل را حل و فصل کند تا ارتباطی مثبت و سازنده بین دولت و رسانه‌ها وجود داشته باشد.

منبع:الجزیره